

Investigating the Simplification Hypothesis in Persian Translated, Authored, and Pseudotranslated Texts: A Corpus-based Analysis of Zabiollah Mansouri's Works

Masoud Sharififar

Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, IRAN

Mina Zandrahimi

Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, IRAN

Asma Bahadori

Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, IRAN

ABSTRACT

Laviosa's simplification hypothesis is a subcategory of translation universals, suggesting that translated texts are of lower lexical variety. The current study investigated Laviosa's simplification hypothesis in Persian translated, authored, and pseudotranslated texts. To that end, three books by Zabiollah Mansouri were selected; a three-fold comparative analysis was conducted, containing 15,507 words of translated texts, 15,396 of authored texts, and 15,607 words of pseudotranslated texts. The corpus analysis tool AntConc 3.5.7 was leveraged to count types, tokens, and lexical density. Then ANOVA and Dunnett Post Hoc tests were conducted to analyze the data, and results revealed that in terms of type/token ratio, there was no significant difference between translated, authored, and pseudotranslated texts. The lexical density of authored texts was significantly higher than that of translated and pseudotranslated texts, but there was no significant difference between the lexical density of translated and pseudotranslated texts. Regarding mean sentence length, authored texts presented a significantly higher mean sentence length than translated and pseudotranslated texts; besides, the mean sentence length of pseudotranslated texts was significantly higher than that of translated texts. The results of the study revealed that Mansouri succeeded in convincing readers to accept his work as a translated text.

KEYWORDS: lexical density, sentence length, simplification hypothesis, translation universals hypothesis, type/token ratio

بررسی فرضیه ساده سازی در متون ترجمه شده فارسی، متون اصلی و متون شبه ترجمه: یک تحلیل پیکره محور از آثار ذبیح الله منصوری

مسعود شریفی فر

دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

مینا زند رحیمی

دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

اسما بهادری

دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

چکیده

فرضیه ساده سازی لایویزا یکی از زیر مقوله های جهانیهای ترجمه است که دال بر این است که متون ترجمه شده تراکم واژگانی کمتری دارند. مطالعه حاضر فرضیه ساده سازی لایویزا را در متون ترجمه شده فارسی، متون اصلی و متون شبه ترجمه مورد بررسی قرار داد. در این راستا، سه کتاب از ذبیح الله منصوری انتخاب شده و یک تحلیل تطبیقی سه گانه، شامل ۱۵/۵۰۷ واژه از متون ترجمه شده، ۱۵/۳۹۶ واژه از متون اصلی و ۱۵/۶۰۷ واژه از متون شبه ترجمه انجام شد. ابزار تحلیل پیکره ای انتکن ۳.۵.۷ برای شمارش نوع ها، نشانه ها و تراکم واژگانی استفاده شد. سپس آزمون های انووا و دانت پست هو برای تحلیل داده ها انجام شد و نتایج بدست آمده بر حسب نوع/نشانه، تفاوت معنا داری را بین متون ترجمه شده، متون اصلی و متون شبه ترجمه نشان ندادند. تراکم واژگانی متون اصلی بطور معنا داری بیشتر از ترجمه شده و شبه ترجمه بودند. اما تفاوت معنا داری بین تراکم واژگانی متون ترجمه شده و شبه ترجمه مشاهده نشد. در مورد میانگین طول جمله، متون اصلی میانگین طول جمله بیشتر و معنا داری نسبت به متون ترجمه شده و شبه ترجمه نشان دادند و میانگین طول جمله متون شبه ترجمه بطور معنا داری بیشتر از میانگین متون ترجمه شده بود. نتایج این تحقیق نشان داد که منصوری در قبول آثار خود به مخاطب بعنوان متون ترجمه شده موفق بوده است.

واژگان کلیدی: تراکم واژگانی، طول جمله، فرضیه ساده سازی، فرضیه جهانیهای ترجمه، نسبت نوع/نشانه